



## شهید بهشتی و وحدت حوزه و دانشگاه

علیرضا باقری - عضو کارگروه تاریخ

وجدان دینی در آحاد مردم قرار دادند. لذا دانشگاه‌ها را از اول بر پایه بی‌اعتقادی گذاشتند. هر گروه از جوانانی که در دوره‌های اول برای تحصیل رفتند، هدف تبلیغات ضداسلامی اروپایی‌ها قرار گرفتند... البته ضعف نفس‌ها و نبودن تبلیغات دینی قوی و باب روز هم مؤثر بود. بنیان دانشگاه - یعنی مرکز پرورش انسان‌های دانشمند طبق پیشرفت‌های علمی روز - بر بی‌دینی و معارضة با دین گذاشته شد... لذا آن نسل پرورش یافته دوران رضاخانی و اوایل دوران نفوذ دانش جدید و فرهنگ اروپایی در ایران، غالباً نسل بی‌اعتقادی بود.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹: ۵۰)

برخی در مقابل این حمله بی‌رحمانه که با اغراض سیاسی نیز تومانی بود، منفعل عمل می‌کردند و یا با فتوای منفی، صورت مساله را پاک می‌کردند. اما دیگرانی

انسان همسو بود. از سوی دیگر هر یک از تمدن‌های دیگر بر طبق نگاه خود به هستی، دانش‌هایی را گسترش می‌دادند و مراکز آموزشی داشتند. وقتی موج توان فنی و ابزاری مغربیان به این تمدن‌ها می‌رسید و آن‌ها را در هم می‌شکست و دانش ایشان به طرق گوناگون وارد این فرهنگ‌ها می‌شد، چالش‌های جدیدی شکل می‌گرفت. به‌مرور، تحصیلات کلاسیک که زاینده این تمدن ابزارانگار بود در گوشه گوشه دنیا رواج یافت. آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید: «با ورود تفکرات علمی جدید به کشورهای اسلامی - که قهراً جاذبه داشت و طبیعی بود که پیشرفت‌های علمی که اروپا به آن دست یافته بود، جاذبه داشته باشد - این پیشرفت‌های علمی را وسیله‌ای برای بی‌اعتقادی به دین و خاموش کردن شعله ایمان دینی در دل‌ها و از بین بردن بیداری

### مقدمه

درست از زمانی که مسلمین به علت دوری از تعلیمات اسلام، بعد از دورانی پر شکوه، به انحطاط تمدنی نزدیک می‌شدند، مغرب زمین با استفاده از دانش آموخته خود از مسلمین و نیز نیروی ایجاد شده از انقلاب فکری و صنعتی، روزبه‌روز از لحاظ ابزار فناوری پیشرفته‌تر می‌شد و با خوی برتری‌طلبی برخاسته از بریده شدن پیوند درست انسان و آسمان، به چپاول ملت‌ها و تمدن‌های عقب افتاده‌تر از خود روی می‌آورد. این چپاول، گاه خیلی آشکار و گاه در هزار پوشش رنگارنگ اعمال می‌شد. این تمدن جدید که واکنشی در برابر کلیسای متحجر قرون وسطی بود، انسان را حیوانی اقتصادی تلقی می‌کرد و طبیعتاً دانش برخاسته از آن عمدتاً با این ابزارانگاری

که سال آخر دانشگاه را هم می‌گذراندم. آن سال را تهران بودم، سال‌های ۲۹ و ۳۰ سال‌هایی بود پرهیجان برای جوان‌هایی



که علاقه‌ای داشتند به این مسائل و به این آرمان‌ها؛ تهران در آن موقع جاذبه خاصی داشت. من یک روحانی جوان بودم که در دانشگاه نیز حضور داشتم؛ در نتیجه از دو سو با جریان‌هایی که رخ می‌داد رابطه و پیوند روحی داشتم. حضور روحانیت در آن نهضت، در بسیج نیروها، در ترساندن دشمنان، به‌راستی نقش اول را داشت.»

(حسینی بهشتی، ۱۳۹۶: ۷۹)

بهشتی، در این مدت با دوستانی آشنا شد که ایشان نیز کم و بیش فضای مشابهی را طی کرده بودند. موسی صدر، مرتضی مطهری، محمدرضا باهنر، محمدتقی مصباح یزدی و... از جمله این گروه بودند. این زمینه‌های شخصی و اجتماعی و ارتباط با دغدغه‌مندی‌های چنین، شهید را به فکر نزدیکی دو قشر دانشجو و طلبه انداخت. به بیان آیت‌الله مصباح یزدی «او [شهید بهشتی] کسی بود که مساله وحدت حوزه و دانشگاه را، ارتباط قشر متدین و نمازخوان با دانشگاهی‌ها و فناوران را مد نظر قرار داد و برای این کار تلاش می‌کرد و تا زنده بود

جهان‌ساز اسلام نبودند. یعنی همان وقت ما در میان چهره‌های بزرگ، روشنفکرترین روحانیون را مشاهده می‌کنیم. هم مرحوم آیت‌الله بروجردی یک روحانی روشنفکر و آگاه بود، هم در میان مؤلفین و محققین، مرحوم علامه طباطبائی، یک چهره آشنا به مسائل جدید اسلامی بود و آگاه از مفاهیم نو اسلامی بود و شاید از همه اینها روشن‌بین‌تر... امام عزیزمان بود... اینها بود اما حقیقت این است که جو و فضای عمومی حوزه به این شکل نبود... یک عده‌ای بودند از افراد فاضل، مؤمن، روشن‌بین، آگاه، جوان، فعال، شجاع و اهل سازش با محرومیت‌های خاص حوزه... اینان در حقیقت، پیشروان حقیقی حرکت فکری جدید حوزه‌اند. این شهدای عزیزی که ما از اول انقلاب تا حالا داریم جزو این‌ها هستند. مرحوم شهید مطهری از این جمله [افراد] است، مرحوم شهید بهشتی، مرحوم شهید مفتاح، مرحوم شهید باهنر و شگفتا که پیشروترین عناصر روشنفکری انقلابی حوزه‌ها اولین شهدای هنگام به‌ثمر رسیدن این انقلاب را هم تشکیل دادند و این نشانه صداقت این دل‌ها و زبان‌ها و حقانیت این راه است. (خامنه‌ای، ۱۳۶۴: ۱۵)

شهید بهشتی از ابتدا تحصیلات کلاسیک و علوم دینی را توفان دنبال می‌کرد. هم در مدتی که در اصفهان بود به دبیرستان رفت و زبان را تا حدودی دنبال کرد و وارد حوزه نیز شد و هم بعدها در قم که برای شرکت در کلاس‌های سطوح عالی و استفاده از اساتید بزرگ این شهر به آن هجرت کرده بود، دیپلم را به‌صورت متفرقه تکمیل کرد و به دانشکده منقول و معقول دانشگاه تهران رفت و زبان را با یک استاد خارجی به سرانجام رساند. و نهایتاً دو دهه بعد نیز دکترای خود را گرفت و در حوزه، فردی شناخته شده به‌عنوان مجتهد آینده تلقی شد. شهید بهشتی می‌گوید: «در سال ۲۹ من یک طلبه جوان بودم در تهران،

هم بودند که دانش برخاسته از غرب را یک‌دست نمی‌دیدند. در تصور ایشان ابزار و فناوری و تجربه از هر کجای دنیا که باشد، انسان مسلمان بدان رغبت دارد و حتی شاگردی می‌کند تا از آن استفاده کند اما به‌شدت مراقب دام‌های نهان و آشکار نیز هست. خصوصاً با این توجه که سازه دانش‌های جدید، بر الهیات نادرستی بنا شده و تمام تیرگی‌های قرون ۱۹ و ۲۰ اروپا تذکر خوبی برای اهل تدبر است که ورای پدیده‌ها را با دقت ببینند و بدانند که چطور کنار گذاشتن خدا و فرامینش، حیات بشر را این‌طور واژگونه می‌سازد. به گفته آیت‌الله خامنه‌ای «بعدها وضع عوض شد... احساسات در دل‌ها بیدار شد و تفکرات صحیح و روشنفکران متدینی پیدا شدند و روحانیون نافذالکلامی - امثال شهید مفتاح، شهید مطهری، شهید بهشتی؛ این شخصیت‌های برجسته - در دانشگاه‌ها رسوخ کردند و اثر گذاشتند و نیز بعضی از شخصیت‌های دانشگاهی، با دنیای دین و مسائل مذهبی آشنا شدند و برخلاف آنچه که آنها می‌خواستند، پیش آمد.» (همان)

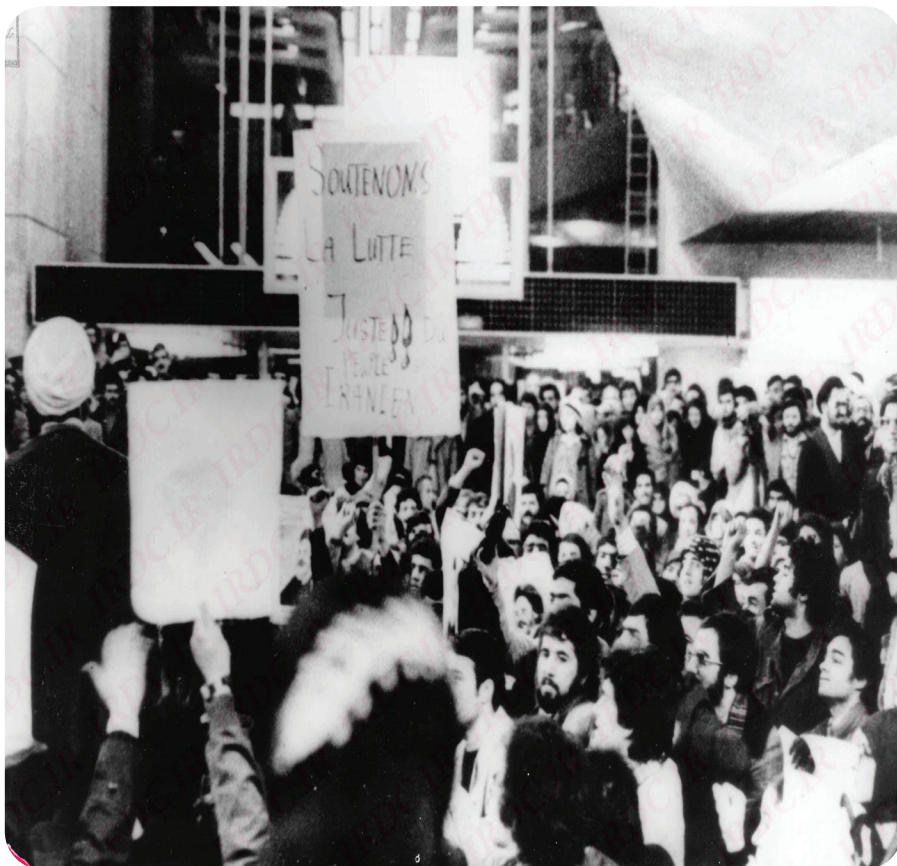
## ۱. اولین جرقه‌ها

به بیان آیت‌الله خامنه‌ای «یک عده‌ای تلاش می‌کردند و این افکار جدیدی را که در دنیای اسلام مطرح شده بود، آنها را یاد بگیرند و در قرآن جستجو کنند. و روایح زندگی‌بخش قرآنی را درک کنند. یک عده‌ای با این مخالفت می‌کردند، هم در بیرون از حوزه‌ها... هم در داخل حوزه‌ها آن کسانی که دیدگاه‌های وسیعی آن‌چنانکه شایسته معرفت اسلامی بود نداشتند، پیشروان این حرکت، همین عده معدودی بودند که اسم آنها در صدر سلسله شهدای انقلاب ما هم به‌صورت افتخارآمیزی ثبت و ضبط است. البته علمای بزرگ اسلام و آگاهان از معارف عمیق اسلامی هیچ وقت غافل از معارف انسان‌ساز و جامعه‌ساز و

مرحوم آقای بهشتی برایشان تشکیل داده بود... این کارها را ایشان شروع کرد به این علت که این دو قشر فعال و فرهیخته جامعه اسلامی [دانشگاهیان و حوزویان] با یکدیگر ارتباط پیدا کنند و در سایه ارتباطشان کشور شکوفا بشود، اهداف مادی و معنوی جامعه تامین شود. کمتر کسی در حد ایشان به این فکر بود و من در حد ایشان هیچ‌کسی را سراغ ندارم.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸)

آیت‌الله مصباح در ادامه می‌فرمایند که «به‌یاد دارم [شهید بهشتی] فرمودند: در نظر دارم کلاس یا محفلی را فراهم کنم که زمینه‌ای ایجاد شود تا عده‌ای از فضلا - که آن روز از فضایی جوان بودند - با علوم روز و دانشگاهی آشنایی یابند. خوب است تو هم در آن جلسه، محفل و کلاس شرکت کنی... برای این‌که روحانی بتواند نقش خود را در جامعه درست ایفا کند، باید ارتباط فرهنگی داشته باشد. دروس حوزه با دروس دانشگاهی کاملاً متفاوت بود و جهت مشترکی نداشت و زبان همدیگر را درک نمی‌کردند. اصطلاحات یکدیگر را نمی‌فهمیدند و به‌کار نمی‌بردند. در زمینه تعامل فرهنگی کانه دیواری بین حوزه و دانشگاه و نسل تحصیل‌کرده آن عصر بود. این کلاس‌ها زمینه‌ای بود که ارتباط بیشتری بین روحانیان و تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی برقرار شود، به‌خصوص ایشان روی زبان تأکید داشتند و به‌رغم اشتغالات فراوان، آقایان از زبان تا حد زیادی استقبال می‌کردند. تفسیر و تحلیلی می‌تواند وجود داشته باشد که چرا شهید بهشتی به فکر انجام این کار افتادند و استقبال فضایی جوان حوزه از این امر چگونه بود و چه آثاری داشت. اینها قابل بررسی است ولی نمی‌خواهم خودم تحلیل و تفسیری روی این جریان داشته باشم، می‌خواهم واقعیتی را گزارش کنم. آن جلسه و این کلاس‌ها بخشی از ارتباط ما با مرحوم آقای بهشتی بود.

(همان)



این حرکت اصیل، اسلامی و پیشرفته باشد و زمینه‌ای برای ساخت جوان‌ها گردد. در سال ۱۳۳۳، دبیرستانی به نام دین و دانش با همکاری دوستان در قم تأسیس کردیم که مسئولیت اداره‌اش مستقیماً به‌عهده من بود. تا سال ۱۳۴۲ که در قم بودیم، همچنان مسئولیت اداره آن را به‌عهده داشتم.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۹)

### ۳. مدرسه منتظریه و اصلاح نظام آموزشی حوزه

مدرسه منتظریه، بعدها به «مدرسه حقانی مشهور شد». آیت‌الله مصباح یزدی در رابطه با این مدرسه می‌گوید: «یک کلاسی ایشان [شهید بهشتی] تشکیل داده بود. ایشان مدیر دبیرستان دین و دانش بود. در کنار کارهایی که برای بچه‌های دبیرستان انجام می‌داد، کلاس‌هایی را برای علما نیز تشکیل می‌داد. چند نفر از علمایی که امروز از بزرگترین مراجع قم هستند، بنده شهادت میدم که در کلاسی شرکت می‌کردند که

کارهای بزرگی انجام داد.» (مصباح یزدی، ۱۳۷۷)

### ۲. دبیرستان دین و دانش

محمدهادی مفتاح می‌گوید: «آیت‌الله مفتاح، آیت‌الله بهشتی و امام موسی صدر سه نفر از حلقه درسی آیت‌الله داماد بودند که برای اولین بار از حوزه به دانشگاه رفتند و منشا حرکات و برکات بسیاری شدند. بررسی نحوه حرکت و اقدامات این سه تن نشان می‌دهد که آنها اهداف مشترکی را پایه‌گذاری کرده بودند. بنابراین هماهنگی و همراهی بین این سه تن مشهود است.» (مفتاح، ۱۳۹۳)

بعد از اتمام یک دوره تحصیل در دانشگاه تهران، شهید بهشتی به قم بازگشتند و با تجربیات جدیدشان، از جمله اولین اقدامات ایشان، تأسیس دبیرستان دین و دانش بود. شهید بهشتی بیان می‌کند «تصمیم گرفتیم که یک حرکت فرهنگی ایجاد کنیم و در زیر پوشش آن کادر بسازیم؛ و تصمیم گرفتیم که



### ۵. حضور میدانی در دانشگاه و ارتباط با دانشجویان مبارز

«شهید بهشتی از همان ابتدای مبارزات و حتی قبل‌تر از آن که دانشجوی دانشگاه تهران بودند، تا دوران تبلیخ در آلمان و ارتباط با دانشجویان ایرانی مقیم اروپا و بعد از بازگشت در جلسات تفسیر و ارتباط با دکتر شریعتی و حسینیه ارشاد و نیز فعالین مبارز نهضت آزادی و تا روزهای آخر عمرشان، همواره ارتباطی مستمر با قشر دانشجو و اساتید دانشگاه داشتند. از یک‌سو سخنرانی‌ها و جلسات تفسیر، از سوی دیگر حمایت از جوانان مبارز در دوران مختلف و نیز تلاش در جهت برگزاری جلساتی مشترک و نزدیک کردن روش‌های آموزشی. این مجموعه فعالیت‌های ایشان و دوستانشان جریان قدرتمند جدیدی را ایجاد کرد که برکات فراوان داشت. ایشان در یکی از صحبت‌هایشان می‌گویند: «چند روز پیش که در قم بودم عده‌ای از این طلاب هوشمند و پر احساس و اهل مطالعه بناداشتند که آن طرح جدید را [دنبال کنند] که عده‌ای از طلاب مستعد در تهران یا در خود قم رسماً در این رشته‌ها مشغول تحصیل بشوند و هم

دایره ما بیرون نرود. حالا که کار تمام شده بگذارید یک تاکتیکی هم که به کار بردیم بگویم؛ ما این کتاب‌ها را زود تهیه می‌کردیم، ولی چون طبق مقررات باید تا اسفند ماه کتاب‌ها داده می‌شد، یک چیزی می‌دادیم که قابل چاپ نبود؛ می‌گفتیم باز هم اصلاح می‌کنیم؛ آن قدر کش می‌دادیم تا وقتی که دستگاه با دستپاچگی مجبور شود چاپ کند؛ تا آخرین کتاب این تاکتیک را به کار بردیم درست در سالی که ما کتاب آخر را نوشتیم، یک اداره جهنمی در آموزش و پرورش وجود داشت؛ این اداره رشد کرد به نام اداره ملی و میهنی. وظیفه‌اش این بود که کتاب‌هایی که مربوط به علوم انسانی است چک کند ببیند که چه تعلیماتی به بچه‌ها داده شده؛ نسخه‌هایی از کتاب‌های تهیه شده به‌وسیله این گروه الان هست، ببینید که در کتاب تعلیمات دینی راهنمایی سال اول چقدر از این کتاب زیرش خط قرمز کشیده شده. اظهار نظر صریح مأموران ساواک در شکل اداره ملی و میهنی این است که اینها با این کتاب‌ها روح قتال و مبارزه را در سطح مدارس ایران برده‌اند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۴۷۳)

«حاصل تلاش ایشان و سایر همفکران، تهیه یک طرح و برنامه‌ای برای تحصیلات علوم اسلامی در حوزه بود که در طول هفده سال، پایه‌ای برای تشکیل مدارس نمونه‌ای شد که مهم‌ترین آن، مدرسه «منتظریه» به نام مهدی منتظر - سلام الله علیه - است؛... این مدرسه بنا به گفته شهید بهشتی در سال ۱۳۴۱ - که انقلاب اسلامی با رهبری امام و شرکت فعال روحانیت آغاز گشت - نقطه عطفی در تلاش‌های انقلابی مردم مسلمان ایران به وجود آورد. در این مدرسه، علاوه بر تدریس علوم دینی، درس‌هایی همچون جامعه‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی و زبان انگلیسی را به برنامه درسی مدرسه افزود تا طلبه‌ها با دانش‌های روز و مسائل مختلف، آشنا شوند و نسبت به علوم جدید، بیگانه نباشند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۷)

### ۴. تدوین کتاب تعلیمات دینی

شهید بهشتی می‌گوید: «ما خیلی صریح و روشن کار خودمان را جز این نمی‌دانستیم که یک گروه متعهد (بنده با آقای دکتر غفوری و آقای دکتر باهنر) تصمیم گرفته بودیم اسلام ایمان و عمل و مبارزه و جهاد و عبادت و فضیلت را در سطح نوجوانان ببریم؛ حتی دانش آموزان سال‌های دوم ابتدایی به بعد. آیات و روایات و داستان‌های سازنده را در این سال‌ها که پیش از هر سال دیگر اندیشه و احساس انسان نقش می‌گیرد بر او بخوانیم. این کار یک طرح خیلی دقیق هم احتیاج داشت؛... در اواخرش ما چند داستان آورده‌ایم، نمونه‌هایی از زنان مبارز، گفتگوهایشان را با جباران وقت عیناً نقل کرده‌ایم. در این مجموع کتاب‌ها بیش از هر چیز، آیات قتال هست. همین‌طور که می‌گوییم طرح ما این بود که کاری کنیم که برنامه و کتاب و اظهارنظر از



اساتید حوزه برایشان درس بگویند و هم اساتید دانشگاه برایشان درس بگویند و اینها خودشان با عده‌ای از دانشجویان علاقمند به این رشته‌ها چه در بخش دانشجویی و چه در بخش استاد، یک مجموعه آمیخته به وجود بیاورند و این یکی از بهترین راه‌های آمیزش و آمیختگی و یکی شدن است به نظر من این تحکیم وحدت میان دانشجو و طلبه که طلبه هم یعنی دانشجو چون طلبه در اصل عربی یعنی طالب و طالب یعنی جوینده که طالب علم است. یعنی جوینده دانش، یعنی تحکیم وحدت میان حوزه و دانشگاه، میان روحانی و دانشجو که پیوندشان مبارک بوده و انشالله که مبارک باشد. یکی از راه‌های عملی و مؤثرش همین است که اینها یک مجموعه‌ای باهم به وجود بیاورند وقتی با هم بودند، با هم رشد کردند، همدیگر را بهتر می‌شناسند و می‌یابند و پیوندشان روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود.» (حسینی بهشتی، ۱۳۶۱)

### جمع بندی

در دورانی که سیاست‌های استعماری و سازه اولیه علوم جدید به دوری هرچه بیشتر روحانیت و دانشجویان دامن می‌زد، گروهی برخاستند و با تجربه اندوزی‌هایشان از حضور در فضاهای متنوع و همت و خستگی ناپذیریشان، توانستند موجی جدید ایجاد کنند. شهید بهشتی از مهمترین افراد این گروه بودند. به بیان آیت‌الله خامنه‌ای «دانشجویان هرچه بیشتر کوشش کنند تا در محیط دانشگاه، ارزش‌های معنوی و دینی را تحقق بخشند و حاکم کنند. این همان عاملی است که دشمن را ناکام می‌کند. روحانیون تا آنجاکه می‌توانند ارتباط خود را با دانشگاه، مستمر و منظم کنند و نوع ارتباط نیز صحیح و متناسب با

نیاز حوزه و دانشگاه باشد... من مطمئنم انشالله این بنای مبارکی که امام گذاشته‌اند و مرحوم شهید عزیز ما، آقای مفتاح رضوان‌الله‌تعالی‌علیه - که شهادت ایشان روز یادگار این حادثه مهم است - و همچنین بقیه عزیزانی که در حوزه و دانشگاه بودند - مثل مرحوم شهید مطهری و شهید بهشتی و شهید باهنر که همه هم از شهدا هستند - برایشان آن تلاش و زحمت را کشیدند، هر روز استوارتر خواهد شد و چه راه با برکتی است که این مشاعر عزیز و مشاعر درخشان، به شهادت هم رسیدند؛ برجسته‌هایشان همه به شهادت رسیدند. این چند نفر شهید عزیز، همه مظهر تام حوزه‌ای و دانشگاهی هستند. این راهی که این بزرگواران برایش زحمت کشیدند و امام آن سفارش‌ها را کردند، انشالله روزبه‌روز هموارتر، وسیع‌تر و به هدف نزدیک‌تر شود.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳: ۷۹)

حسینی بهشتی، سیدمحمد، (۱۳۹۷)، من محمد حسینی بهشتی هستم، تهران: روزنه.

حسینی بهشتی، سیدمحمد، (۱۳۹۶)، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی، تدوین محمدرضا سرابندی، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

حسینی بهشتی، سیدمحمد، (۱۳۶۱)، انقلاب فرهنگی، جامعه‌شناسی و تعلیم و تعلم در اسلام، <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/9508901>

خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۶۹)، بیانات در دیدار با جمع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان، پیشخوان ۲۴، <https://farsi.khamenei.ir>

خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۶۴)، بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح (در روز وحدت حوزه و دانشگاه)، پیشخوان ۲۴، [/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)

خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۷۳)، بیانات در دیدار با طلاب و دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت وحدت حوزه و دانشگاه، پیشخوان ۲۴، <https://farsi.khamenei.ir>

مفتاح، محمدهادی، (۱۳۹۳)، سالروز شهادت دکتر محمدمفتاح، گفت‌وگو با روابط عمومی موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، [/https://imamsadr.ir](https://imamsadr.ir)

مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۸)، شهید بهشتی کسی بود که مسئله وحدت حوزه و دانشگاه را مدنظر قرار داده بود، [0BYgV/https://www.aparat.com/v](https://www.aparat.com/v/0BYgV)

مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۷)، مصاحبه با آیت‌الله مصباح یزدی درباره شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، <https://www.10706=beheshti.org/?p>

### کتاب‌نامه

حسینی بهشتی، سیدمحمد، (۱۳۹۷)، من محمد حسینی بهشتی هستم، تهران: روزنه.

حسینی بهشتی، سیدمحمد، (۱۳۹۶)، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی، تدوین محمدرضا سرابندی، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.